### اشاره

در شرط سوم، بیان شد این شرط، شرطِ محقق موضوع است و تحقق منکر و احراز تحقق آن (یقین، اماره یا اصل معتبر عملی) شرط است. باید احراز شود که معصیت در حال وقوع است یا واقع خواهد شد.

### فروع و تکمله

#### 1 ـ رابطه قصد و فعل معصیت

روشن شد که قصد فرد موضوعیت ندارد. نکته روشن دیگر این است که بین قصد معصیت و وقوع معصیت در خارج رابطه عموم و خصوص من وجه است (زیرا موضوع قصد قبل المعصیة موضوع بحث است). ممکن است کسی قصد معصیت کند و سپس معصیت نیز انجام دهد، ممکن است که کسی قصد کند ولی انجام ندهد و ممکن است قصد نداشته باشد اما در ظرف زمانی خاص، معصیت انجام شود.

آنچه ما ملاک قرار دادیم، وقوع المعصیة بود که تکلیف امر به معروف و نهی از منکر را به دنبال دارد. در قضیه کربلا و نوع روابط افراد با امام حسین (ع)، برخی از افراد از اول قصد نداشتند به دشمن بپیوندند اما عملی شد، در این مورد باید «امر به معروف و نهی از منکر» نمود زیرا موضوع امر به معروف و نهی از منکر مفروض التحقق است. البته باید احتمال وقوع معصیت و اطلاعات روان‌شناسی بر آن وجود داشته باشد. امر به معروف و نهی از منکر زبانی و در صورت نیاز امر به معروف و نهی از منکر عملی نیز لازم است. البته در صورت غفلت مطلق باید بحث نمود که آیا بازهم امر و نهی لازم است یا خیر؟

در نقطه افتراق که فرد قصد معصیت دارد، اما در ظرف عمل، عمل محقق نمی­شود؛ یعنی توهمات گناه دارد و توان معصیت را ندارد در این صورت امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست مگر اینکه ما تجرّی را حرام بدانیم و از باب حرمت تجری، امر و نهی نماید زیرا بنا بر حرمت تجرّی، فرد در حال معصیت است.

البته در هر موردی که امر به معروف و نهی از منکر وجوب و الزام نداشته باشد، رجحان شرعی وجود دارد.

#### 2 ـ اعتراض به معصیت گذشته

فرع دیگر این است که حکم اعتراض نسبت به اعمال گذشته فرد چیست؟ در این صورت که منکر توسط فرد انجام شده و به اتمام رسیده است، آیا گفتن اینکه چرا انجام دادی، لازم است؟ این بیان نوعی «اعتراض به منکر» است. مورد «امر به معروف و نهی از منکر» ناظر به حال و آینده است و هدف آن تأثیرگذاری بر فعل معروف یا ترک منکر است؛ اما مورد بحث (اعتراض به معصیت گذشته) که فعلی انجام شده و غیرقابل تکرار است و یا اگر قابل تکرار باشد، این فرد توانایی یا قصد تکرار ندارد. امام در تحریرالوسیله به این مورد اشاره نموده است و جای بحث دارد.

#### حالات و انواع اعتراض

اعتراض به معصیت گذشته و انجام شده، چند حالت دارد:

2.1. اعتراض بر فعل همان فرد در آینده اثر داشته باشد،

2.2. اعتراض بر فعل همان فرد در آینده اثر ندارد اما بر دیگران اثر دارد،

2.3. اعتراض به گناه انجام شده، نه روی فرد و نه روی دیگران اثر ندارد اما سکوت و عدم اعتراض ممکن است موجب بدبینی مردم به آمر و ناهی شود یا مردم و ناظران عدم اعتراض را تلقی به عدم اشکال و جواز ­نمایند،

2.4. اعتراض بر معصیت فاقد اثر است مطلقاً،

2.5. گاهی اعتراض بر معصیت آثار منفی دارد.

**حکم «اعتراض به گناه» چیست؟**

اعتراض (نه امر به معروف و نهی از منکر) اگر اثر (در شخص یا دیگران) داشته باشد یا از مراتب امر به معروف و نهی از منکر است و یا اگر از مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز نباشد، از باب تنقیح مناط و اینکه ملاک امر به معروف و نهی از منکر در آن هست لذا اعتراض لازم است.

اما اگر اعتراض بر معصیت هیچ اثر نداشته باشد، دلیلی بر وجوب نفس اعتراض بر معصیت نداریم ولو اینکه عقل، حُسن این اعتراض را درک می­نماید. در این مورد اعتراض نوعی انکار منکر و تعظیم مولای حقیقی است و اصل انکار منکر و تعظیم مولا رجحان دارد.

در صورتی ‌که اعتراض بر گناه اثر بازدارندگی ندارد بلکه اثر منفی داشته باشد، اعتراض حرام است زیرا موجب نوعی هتک یا ایذاء مؤمن می­شود.

#### 3 ـ الزام به توبه

بحث از توبه و لزوم آن فرع سوم است؛ در همه مواردی که کسی معصیت می­کند، قابل تکرار باشد یا نباشد، فرد باید توبه نماید. توبه بعد از ارتکاب معصیت واجب است، اگر بدانیم که فرد توبه نکرده است، باید امر به توبه نمود. البته امر به توبه می‌تواند مصداق «امر به معروف و نهی از منکر» باشد و می­تواند مصداق آن نباشد بلکه به‌صورت یک عنوان مستقل، حکم مستقل داشته باشد.